

www.iusnews.ir

iranian university students news

اگر منتظر خبر نامه کاغذی دانشجویان ایران هستید، اگر از دیدن مانا راحت هستید، اگر می خواهید خبری را به گوش دانشجویان سراسر کشور برسانید، اگر انتقاد و پیشنهاد دارید و اگر موبایلتان شارژ داشت و حال هم داشتید، به این شماره پیامک بزنید:

۰۹۳۷۰۷۴۸۵۵۰

- با مجوز شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشگاهی به شماره
- ۸۱/۲۴۷۱۸۰ جهت توزیع در دانشگاه های سراسر کشور



حسین شهبازی زاده

دبیر سابق جنبش عدالتخواه دانشجویی

شریعتی و دردهایش!

فرض کنیم شریعتی امروز، یعنی سال ۹۴ در بین ما بود و از یک سو شاهد پیشرفت ها و شادی جامعه بود و از سویی دیگر آلام و درد های جامعه امروز ما را می دید، منظور از جامعه فقط داخل ایران نیست بلکه ناظر به تحولات جهانی هم هست. در آن صورت شریعتی به این مسائل چگونه می نگریست و چه می گفت؟ و آیا صاحبان قدرت و ثروت و اربابان رسانه ها و صاحبان تربیون و مقامات کشور او را تحمل می کردند؟ شریعتی اگر بود بعضی ها به اسم مردم گرایی کنارش می زدند و هر کاری دلشان می خواست می کردند؟ یا مثل برخی دیگر شریعتی را بی سواد می خواندند و به «جهنم» حواله اش می دادند؟

منظورم شخص یا جناح سیاسی خاصی نیست، همه را می گویم! آیا واقعا جامعه امروز ما شریعتی را تحمل می کرد؟ فرض کنیم شریعتی شاهد اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی می بود؛ چه می گفت؟ به نظر شما آیا می گفت همه اش تقصیر خاوری بوده و حالا هم که رفته کانادا بایستی بنشینیم تا اینتر پل او را به ما تحویل دهد یا نه! او، رئیس و دیگر مسئولین وقت بانک مرکزی، بانک ملی و بانک صادرات و... را که در حاشیه امن قرار دارند را هم به نقد می کشید!

فرض کنیم شریعتی شاهد رشد نجومی ثروت برخی افراد مثل شهرام جزایری ها و بابک زنجانی ها بود؛ چه می کرد؟ یا فرض کنیم شریعتی شاهد رسوایی کرسنت بود که آقازاده آقای هاشمی، در دوران وزارت وزیر نفت فعلی مرتکب آن شده است! شریعتی چه می گفت؟

با مثلاً فرض کنید شریعتی شاهد تصویب «برجام بود»! به نظر شما شریعتی در مواجهه با شیفتگان آمریکا و غرب چه می کرد؟ آیا دولتی را که دستش تا آرنج به خون زنان و کودکان بی گناه آلوده است را «کدخدا» می دانست و برای آرام گرفتن در آغوش گرم «کدخدا» ثانیه شماری می کرد؟

اگر شریعتی امروز در بین ما بود و سری به خانه های برخی مسئولین می زد و وضع زندگی آنان را می دید، آرام می گرفت؟ آیا اسلام مرفهین بی درد را تحمل می کرد و فقر فرودستان را بر می تابید؟

به شریعتی فرصت سخنرانی در دانشگاه و حوزه و نماز جمعه و تلویزیون داده می شد یا خیر؟

اگر امروز شریعتی در بین ما بود و سکوت برخی خواص و نخبگان اهم از حوزوی و دانشگاهی را در مواجهه با برخی انحرافات می دید چه می گفت؟

اصلاً بگذارید خیلی ساده و روشن و شفاف بگویم؛ اگر شریعتی بود با امام خمینی (ره) بود یا روشنفکر نماهای غرب زده لیبرال؟

اگر شریعتی بود با مطهری بود یا فرقان؟

اگر شریعتی بود با بهشتی بود یا منافقین؟

اگر شریعتی بود با چمران بود و به جبهه می رفت یا در کنار امثال آقای بازرگان و ابراهیم یزدی و... کنج عافیت می طلبید؟

اگر شریعتی امروز در بین ما بود از علی (ع)، حسن (ع)، حسین (ع)، فاطمه (س)، ابوذر و عاشورا سخن می گفت یا مثل دگر اندیشان واپس گرا، حسین (ع) را خشونت طلب می خواند و پلورایسم را تئوریزه می کرد؟

اگر شریعتی امروز بود نماینده اسلام آمریکایی و تشیع لندن نشین بود یا اسلام ناب و تشیع علوی؟

اگر شریعتی امروز بود، راجع به برخی مقدس نماهای بی شعور و متحجرین منتسب به انجمن حجتیه که حالا به آلف و الوف هم رسیده اند چه می گفت؟

راستی اگر شریعتی امروز بود ساکت می نشست تا مجلس اصول گرا در ۱۵ دقیقه برای ۱۵ سال مملکت تصمیم بگیرد و کسی جرأت نکند حرف بزند؟

اگر شریعتی بود چه می کرد؟ بگذریم و شریعتی را با دردهایش تنها بگذاریم...

کاغذی

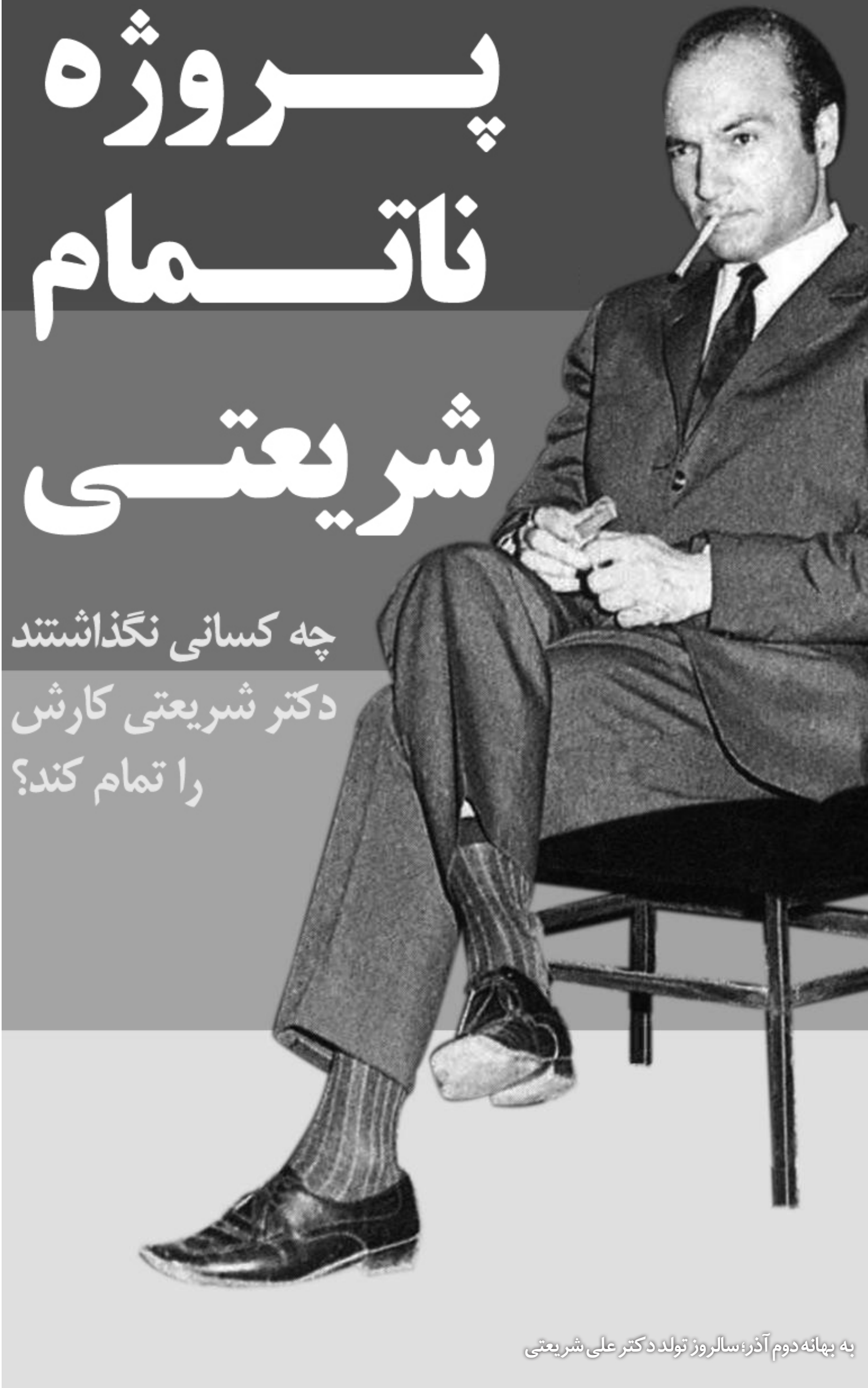
خبرنامه دانشجویان ایران

این خبر نامه نسخه کاغذی سایت «خبر نامه دانشجویان ایران» است.

شماره

۸۶

نیمه اول
آذرماه ۹۴



به بهانه دوم آذر؛ سالروز تولد دکتر علی شریعتی

به بهانه دوم آذر؛ سالروز تولد دکتر علی شریعتی

چه کسانی نگذاشتند دکتر شریعتی کارش را تمام کند؟



شریعتی را هم که ایشان مقید بودند و حتی در تندی انتقادات، به شریعتی توهین روانمی داشتند، رعایت نکردند. برخی از جریان متحجر چون جریان تفکیک او را مرتد اعلام کردند. در مراسم ختم او در تهران و مشهد قائله کردند.

از این سو جریانی که بعدها میراث دار شریعتی شد هم به وی جفا کرد. روشنفکری بیمار شریعتی را نفهمید، همانطور که جلال رانفهمید. یکی از همین جریان روشنفکری درباره شریعتی می گوید: «یک خطیب است. حالا بعضی ها به غلط او را روشنفکر می خوانند. یکی به من بگوید این چه جور روشنفکری است که هر جایی مصلحت می داند دروغ می گوید و برای پیشبرد اهدافش به راحتی وقایع را وارونه جلوه می دهد. اصلا آدم از خودش خلق کرده بود و از زبان او حرف های خودش را نقل می کرد. اینها کار روشنفکر نیست.» (مصاحبه خشایار دیهیمی با کتاب هفته)

یکی از آقایان روشنفکر که بالحن تندی درباره شریعتی و جلال حرف زده در جایی پیش از انقلاب گفته بود: «شریعتی را به محافلتن راه ندهید، چون در حسینیة ارشاد سخنرانی کرده». یاد خاطره امام(ه) از جریان تحجر در حوزه می افتمیم: «هر کس کج راه می رفت متدین تر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک به شمار می رفت. در مدرسه ی فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می گفتم.»

تحجر و روشنفکری غیراسلامی دو روی سکه استبداد و نشاندن و نپذیرفتن حرف حق اند و شریعتی از این دو حال مبرا بود، چرا که از هر دو صنف توهین و تهمت ناروا شنید. شریعتی جزو معدود کسانی بود که نمی ترسید اگر دین دروغین را به چالش بکشد، آن هم در دوره ای که مقدس نماها با امکانات حاکمیت طاغوت برای مقابله با انقلابی گری، هر مترضی را تکفیر می کنند: «هبارزه با دین طاغوت پرستی، دین ملاء و مترفین در موقعی که عریان و با روی باز و آشکارا زندگی می کنند آسان است، اما وضع از موقعی خطرناک می شود که دین طاغوت پرستی و شرک در لباس و جامعه دین توحید به صورت ابزار دست ملاء و مترفین در جامعه عرضه و نمودار گردد.» (مجموعه آثار، ج ۲ ص ۴۳)

با این همه شریعتی هنوز سرپاست. کتاب های او هنوز بیشتر از همه کتاب های متحجرین و روشنفکر نماها، خریدار دارد. شریعتی هنوز در خیابان «انقلاب» خریدار دارد. تفکر پویای شریعتی هر روز که می گذرد بیشتر دیده می شود، آنچه شریعتی در خشت خام می دید درباره امت اسلامی

این روزها در آینه می بینیم. شریعتی پیش بینی کرده بود که با تجزیه امت اسلام، قومیت ها از سوی استعمار تقویت خواهد شد و شبیه دوران پیش از اسلام، دعوای نژادی بر «برادری اسلامی» غلبه خواهد کرد و به آیه «وحدت» که نتیجه نبوت محمد(ص) است، به واسطه همین دعوای فرقه ای و قومی اعتنا نخواهد شد. به راستی که او ظهور «داعش» را هم پیش بینی کرده بود. شریعتی دغدغه موحدت امت اسلام را داشت. شبیه روشنگران دیگری چون سید جمال اسدآبادی که در این مسیر پای نهادند. شریعتی «شیعه انگلیسی» را هم پیش بینی کرده بود. «شیعه علوی، شیعه صفوی» ترجمان امروزی اگر داشته باشد، همین «تشیع انگلیسی» است که توسط ملکه انگلستان در دوران استعمار فرانو تقویت می شود، تا اسلام را شبیه دین گاوپرستان هند، خنثی کند. آن وقت است که ملکه هم به اسلام ادای احترام خواهد کرد.

شریعتی یک آغازگر بود. در این شک نباید کرد. او آغازگر طرح اسلام با زبان فرهنگ جدید نسل بود... شریعتی آغازگر طرح جدیدترین مسائل کشف شده اسلام مرفقی بود به صورتی که برای آن نسل پاسخ دهنده به سوال ها و روشن کننده نقاط ابهام و تاریک بود. (گفت وگویی آیت الله خامنه ای با مجله سروش، شماره ۱۰۲)

حج، که امامت حسینی باشد، تجدید عهد کند. یعنی سال قبل به نظرش می رسد این کار نابجاست، در سال بعد به نظرش می رسد نه تنها بجاست بلکه ضرورت حفظ محتوای راستین حج است. در این رابطه است که یک سخنرانی ایراد می کند که به صورت کتاب «یاد و یادآوران» منتشر می شود؛ یعنی چگونه باید همیشه به یاد حسین(ع) و حسینیان بود.

شهید دکتر بهشتی درباره این تغییرات درونی در شریعتی معتقد است: «یک اندیشه پویا و جست وجوگر همیشه از این گردش ها و چرخش های صد و هشتاد درجه ای دارد و دکتر شریعتی در رابطه با مسائل بسیاری یک چنین اندیشه ای داشت... آنچه می توانم در رابطه با دکتر بگویم ۲ نکته است: یکی اینکه بر حسب برخورد هایی که داشتیم و تا حدی که شنیده یا نوشته هایش را خوانده ام، دکتر همواره رو به اصالت اسلامی پیش می رفت؛ یعنی هر چه جلو می رفت به اصالت اسلامی نزدیک تر می شد. دوم اینکه، برعکس آنچه گاهی درباره او گفته می شد که آدمی است که حرف دیگران را نمی پذیرد، او حرف های مستند و منطقی افرادی را که صاحب نظر بودند می شنید و گوش می داد و می پذیرفت، به شرط آنکه آن طرف در آن سطح و در آن حد از قدرت فکری و قدرت تحلیل باشد که بتواند مشکلی را برای او بگشاید و مطلبی را برایش باز کند.»

قدرت انتقاد شریعتی و صراحت وی موضوعی بود که وی را از دیگران متمایز می کرد. تلاش او برای بیان معارف دین به شکلی صریح و نقادانه در همه سال های عمرش و در طی طریق به سمت اصالت اسلامی ادامه یافت. آیت الله شهید بهشتی درباره این ویژگی در پژوهشگران و فقهای شیعه می نویسد: «علامه حلی و شیخ طوسی ۲ فقیه معروف هستند و هر دو دارای کتاب های فراوان. ما می بینیم که درباره یک مساله فقهی، علامه حلی در کتاب های مختلف، فتاوی گوناگون دارد. یعنی اندیشه اش

پویاست. و عجیب این است که او گاهی در یک کتاب فقهی مساله ای را بر حسب نیاز در ۲ جا مطرح کرده؛ یک بار در آغاز کتاب و یک بار در پایان آن، و تا کتاب را به آخر نرسانده دارای یک برداشت جدید می شده و درباره همان مساله در پایان کتاب، در اواخر کتاب، یک فتوی جدید می دهد. این ویژگی اندیشه های پویا و پرتوان است، و دکتر اندیشه ای پویا و پرتوان داشت.»

شریعتی هر روز در حال نو شدن بود و رکود در مورد او معنا نداشت. البته مواجهه ها با شریعتی متفاوت بود. شهید بهشتی درباره شریعتی می گوید: «موضع من در برابر شریعتی و کارهای او موضع بهره برداری صحیح

است؛ نه لگدکوب کردن، نه لجن مال کردن و نه ستایش کردن و بالا بردن؛ بلکه حسن استفاده از سرمایه ای در خدمت هدفی، با روشنگری بدون کمترین محافظه کاری برای تمام نقطه های ضعف او که من در این زمینه تاکنون محافظه کاری نکرده ام و آن را روا نمی دارم. هر نقطه ضعفی در هر نوشته ای از دکتر مطرح شده و دوستان نشان داده اند، در جایی که سخن خوبی بوده گفته ام خوب است و در جایی که حرف بدی بوده گفته ام خطاست، غلط است، خام است و مکرر گفته ام و به خود ایشان هم گفتم که دکتر اصولا روش خطاست؛ روش نقص دارد؛ روش را کامل کن. ولی موضع این موضع است که باید از مجموعه کار او بهره برداری کرد؛ چون انصافا در نوشته های دکتر تنبهات جالب، زیبا، خوب و مؤثر فراوان است در کنار خطاهای بسیار و هیچ ضرورت و دلیلی در یک موضع گیری حاد به جای یک موضع گیری نقاد نمی بینم.» (شریعتی جستجوگری در مسیر شدن؛ آیت الله شهید بهشتی)

آنجا که شهید بهشتی «ستایش کردن و بالا بردن و اغراق در مورد شریعتی» را نمی پسندد، شاید اشاره ای به رفتار برخی از دوستان شریعتی باشد که اتفاقا با خوش قلبی و نیت پاک به اغراق هایی درباره او دست زدند در حوزه، البته بسیاری حتی ادب منتقدانی وزین چون آیت الله مطهری و آیت الله مصباح یزدی در مواجهه با

ارتداد دادن و توهین و تهمت های جماعت متحجر و نه در «شریعتی سازی های تقلبی» جریان واداده شناسیم؛ کسانی که با یک تندی ساواک «توبه نامه» می نوشتند و به «غلط کردم» می افتادند، نمی توانند داوران حق گویی پیرامون استاد شجاع جامعه شناسی و معلم صریح و شهید حسینیة ارشاد باشند. به همین ترتیب تنها مجال ما برای مطالعه شریعتی مطالعه نقادانه او است. روشمندی ای که در حین بررسی انتقادی آثار و آرای او از تلاش هایش نیز ستایش می کند، اما چشم بر کاستی هایش نمی بندد و بی تعارف و در همان عوالم روشنفکری و تفکر به صراحت نقدش می کند.

شریعتی به مثابه یک متفکر همواره به دنبال پاسخ هایی از دین برای اصلاح جامعه بود. این وجه از شخصیت او جدی ترین بروز و ظهور را در میان دانشجویان و اهل تحقیق حوزه داشت. چنانکه رهبر انقلاب در دومین سال درگذشت وی در سخنرانی در میان طلاب به این نکته با این مضمون اشاره می کنند: «من پیش از خیلی از کسانی که بعدها با پاره ای از اشتباهات دکتر آشنا شده بودند به خاطر انس و آشنایی و صمیمیت و رفاقت نقطه های اشتباه را در اندیشه او مشاهده می کردم، لمس می کردم؛ گاهی هم با هم بحث می کردم، اما می دیدم که او چه می کند، لمس می کردم؛ که او چه هنر بزرگی دارد به کار می برد، نمای خارجی اسلام در دید طبقات تحصیل کرده و روشنفکر در آن روز یک نمای ضدروشن بینی بود. درست است که در سال ۴۲ و ۴۳ و چند سال بعد

از مقاومت عظیمی که مردم به پشت گرمی و اتکای حوزه علمیه کردند، نظرها نسبت به اسلام تا حدود زیادی واقع بینانه شد، اما این معنایش این بود که اسلام مبارز است، اسلام مقاومت است، اسلام ضدظلم است. معنایش این نبود که اسلام ما را به پرواز بی نهایتی، به سوی کشف و گشودن اندیشه های ناگشوده فکری و مقدس و انسانی و شریف سوق می دهد. این کار شریعتی توانست نسل جوان را یکجا و درست به طرف مذهب و ایمان مذهبی بکشاند. این کار را او به طبیعت خود می کرد تصنعی در این کار نداشت. طبیعتا این طوری بود او خودش یک چنین ایمانی داشت، او خودش یک چنین دید روشنی به اسلام داشت و به همین دلیل بود که آنچه از او می تراوید می کرد. بعد از بلوغ شریعتی در عرصه روشنفکری و بر منبر روشنفکری اسلامی بسیار بودند کسانی که معلمان شریعتی بودند اما کشف نشده بودند، ولی کشف شدند.»

نقل است دکتر شریعتی در یک سال که به حج مشرف می شود و در مراسم حج می بیند عده ای از حجاج شیعه در عرفات و مواقف دیگر حج، به یاد امام حسین(ع) هستند، زیارت وارث می خوانند، زیارت عاشورا می خوانند، در برخورد با این جریان اول بار این مطلب به ذهنش می آید که آیا اینجا در این کنگره عمومی مسلمانان جهان، بجاست که شیعه، آن آهنگ و آرمای ویژه خودش، یعنی حسینی بودن را مطرح می کند؟ آیا بهتر نیست در آنجا، شیعه مثل دیگر مسلمانان همان دعاها و دیگر مناسک عمومی اسلام را به جای آورد؟ سال بعد وقتی دوباره به حج مشرف می شود و همین مناظر را می بیند یک مرتبه متوجه می شود که عجب! حقیقت این است که مراسم پرشکوه حج، یک ظاهر و جسم است که باطن و روح آن در حسینی اندیشیدن و حسینی زیستن است. بنابراین، توجه به امام حسین(ع)، به هر صورت، در مواقف مختلف حج یعنی توجه به روح این مناسک و عبادت بزرگ و در پیوند همه عبادت ها ولایت و امامت. ذهنش متوجه این می شود که اگر حج، این مراسم بزرگ و باشکوه در خدمت خلافت اموی و عباسی و زمامداران طاغوتی قرار گیرد حقی است که باطل از آن بهره برداری می کند؛ اما اگر همین مناسک حج در راستای امامت حسین و حسینیان قرار گیرد، آن وقت حقی است که یک حق پرشکوه تر با آن همراه است. بنابراین، به نظرش می آید بسیار بجاست در همان جا، در همان مواقف، دل ها متوجه کربلای امام حسین(ع) باشد و زیارت های مربوط به امام حسین(ع) خوانده شود که در آن زیارت ها از شهادت و امامت حسینی یاد شود و دل و جان و ضمیر حج گزاران با روح

در این سال های پس از انقلاب، کمتر پیش آمده که در مجمعی پیرامون جامعه شناسی، نگاه اصلاحی به جامعه، سنت و مدرنیته، کذا و کذا بحث به میان آید و کسی از دکتر علی شریعتی نقل قولی نیاورد. معلم شهید در همه سال های نبودنش حتی محور بسیاری از درس و بحث های علوم اجتماعی بوده است. گاه با مستمسک قرار دادن بعضی آراءش، برخی را کوبیده اند و گاه دیگرانی به خاطر نوع مواجهه اش، طردش کرده اند. با این همه شریعتی هنوز سرپاست و دیده می شود. در این میان درد آن است که شریعتی آنطور که بوده و نوشته و زیسته، دیده نشود و او را به «ادیبی خوش خطابه» تقلیل دهند. اما کدام جریان است که مقابل این ظلم ناخود آگاه برخی یا توطئه خود آگاه برخی دیگر بایستد؟ چه کسی است که شریعتی را «شریعتی» بشناساند؟

برای پاسخ به این سوال ها شاید باید به مواجهه های عالمانه با شریعتی بنگریم. به آنچه عالمان و روشنفکران دینی متعهد درباره وی گفته اند ببیندیشیم و راه را برای محققان خود آگاه سالم که در میانه این بلوای همیشگی «مسأله شریعتی» متحیرند، بگشاییم. شاید درباره هیچ ادعایی پیرامون دکتر نتوان به قطعیت ادعا درباره «پویایی» و «جست وجوگری» اش حکم داد. همین خصلت را به امانت بگیریم و آن را در روشنفکران دیگری جست وجو کنیم و پس از آن، مشی و منش این علمای متعهد درباره شریعتی را مرور کنیم تا با رویکردی «غیرواقعی»، «غیرکارکردی» و «خنثی»

وی را مطالعه نکرده باشیم.

شاید برای فهم مسأله شریعتی که در گذر این سال ها همیشه در مظلومیت بوده و موافقان و مخالفانش هریک به نوعی او را غیرواقعی نگریده اند و به او غیرواقعی پرداخته اند، شاید همین گزاره و تعریف دکتر از روشنفکر نقطه آغاز مناسبی باشد؛ «روشنفکر نه فیلسوف است، نه دانشمند، نه نویسنده است و نه هنرمند. روشنفکر متعصب خود آگاهی است که زمان و نیاز جامعه اش را حس می کند و بینش و جهت یابی و رهبری فکری را داراست.» (مجموعه آثار، ج ۴ ص ۳۱)

شخصیتی که هم موافقاتش به او ظلم کردند و هم مخالفانش؛ «مخالفان او به اشتباهات دکتر شریعتی تمسک می کنند و این موجب می شود که نقاط مثبتی که در او بود را نبینند. بی گمان شریعتی اشتباهاتی داشت و من هرگز ادعا نمی کنم که این اشتباهات کوچک بود، اما ادعا می کنم که در کنار آنچه که ما اشتباهات شریعتی می توانیم نام بگذاریم، چهره شریعتی از برجستگی ها و زیبایی هایی هم برخوردار بود... اما ظلم طرفداران شریعتی به او کمتر از مخالفانش نبود؛ بلکه حتی کوبنده تر و شدیدتر هم بود. طرفداران او به جای اینکه نقاط مثبت شریعتی را مطرح کنند و آنها را تبیین کنند، در مقابل مخالفان صف آرای ها کردند و در اظهاراتی که نسبت به شریعتی منصوب داشتند، سعی کردند او را یک موجود مطلق جلوه بدهند. سعی کردند حتی کوچک ترین اشتباهی را از او نپذیرند. سعی کردند هرگونه اختلافی را که با روحانیون یا با متفکران بنیانی و فلسفی اسلام دارند در پوشش حمایت و دفاع از شریعتی بیان کنند. در حقیقت شریعتی را سنگری کردند برای کوبیدن روحانیت یا کلا متفکران اندیشه بنیانی و فلسفه اسلام». (گفت وگویی آیت الله خامنه ای با مجله سروش، شماره ۱۰۲)

علمای متعهد و پویا در طول دوران و تاریخ شیعه، هیچگاه صرفا توجیه گر نبوده اند و کاملا جریان ساز و «تغییر دهنده» ظاهر شده اند. به عنوان مثال مجموعه شخصیت و منش شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی را که مورد مطالعه قرار می دهیم، تمام زندگی اش را در تلاش برای ایجاد تغییر و تبدیل وضعیت به شرایطی بهتر و مناسب تر می بینیم. شهید بهشتی جمله ای دارد با این مضمون که «اسلام در آغاز یک انقلاب بود و همواره باید یک آیین انقلابی باقی بماند». همین گزاره نشان می دهد مفهوم «پویایی» در این شخصیت بزرگوار، مفهومی کاملا شکل گرفته است و تکامل و تغییر و تحول به سمت شرایط مناسب همیشه مدنظر وی بوده است. بنابراین اگر قرار است «شریعتی» را مطالعه کنیم، بهتر آن است که این معلم بزرگ را نه در حکم



تولد، تولد، تولدت مبارک، بیا شمع‌ها رو فوت کن، که صد سال زنده باشی، تولد، تولد، تولدت ...

شاید کمتر کسی است که بداند، ترانه و آهنگ «تولدت مبارک» به سفارش ایران ناسیونال و با شعری از «پرویز خطیبی» و آهنگسازی «روحانی» ساخته شد. جالب است بدانید که انوشیروان روحانی، این ملودی را با الهام از رقص مکزیکی «لاکوکاراجا» نوشت. در سال ۱۳۴۹ در مراسم جشن تولد پیکان، هنگامی که ترانه خوانده می‌شد، پیکان ۴۹ از میان کیکی بزرگ ظاهر شد. یکی از مقامات کره در مراسم سالروز تولد پیکان حضور داشت. می‌گویند آرزویش این بود که کره به صنعت مونتاژ دست پیدا کند. کره‌ای‌ها هیچگونه صنایع مونتاژ اتومبیل نداشتند و سال‌ها بعد از ایران شروع کردند. حالا اما بعد از ۱۰ سالی که خط تولید پیکان تعطیل شده، به نظر نمی‌رسد کسی در کره دلش برای پیکان تنگ شده باشد. انواع پراید خیابان‌های ایران را پر کرده است. چند وقت پیش هم اعلام شد کره ای‌ها حالا باواردات هیوندای برای طبقه نوظهور سرمایه‌دار اصلی‌ترین وارد کننده خودرو به کشور هستند.

در این میان خودروهای ایرانی در پارکینگ‌ها انبار شده بود. خریدار نداشت. کمپین گسترده تحریم خودروی ایرانی کار را به جایی رساند که یکی از اصلی‌ترین سرفصل‌ها در بسته جدید اقتصادی دولت، تخصیص «وام ۲۵میلیونی خرید خودرو» بود. اتفاقا از این وام نیز استقبال شد. دولت برای ترغیب و تحریک تقاضا شرایط فوق العاده ای را اعلام کرد. شرایطی که البته اعمال نشد. دولت برای اجرای طرح وام ۲۵ میلیون تومانی خودرو شرایطی اعلام کرده بود که خودروسازان و مجریان طرح اکثر آنها را اجرا نکردند و زیر قول و قرارها زدند. وام خودرو از اول قرار بود با شرایط آسان مثل پرداخت سفته ارائه شود اما نمایندگی‌ها فقط با دسته چک از متقاضیان ثبت‌نام می‌کردند. یعنی اگر در کشور کسی دسته چک نداشت نمی‌توانست از این تسهیلات استفاده کند و همین محدودیت تبعیض‌آمیز بود. دومین مورد بازپرداخت ۷ ساله تسهیلات بود. در دستورالعمل مشترک وزارت صنعت و بانک مرکزی آمده بود که بازپرداخت وام ۲۵ میلیونی ۴ تا ۷ ساله خواهد بود اما خودروسازان با تسهیلات یک تا ۴ ساله ثبت‌نام کردند. قرار بود سود ۱۶ درصدی برای پرداخت وام محاسبه شود اما با سود مرکب به علت دریافت چک‌های ۳ تا ۶ ماهه، سود نهایی بیشتر از ۱۶ درصد می‌شد. برای دریافت وام هیچ‌گاه نباید مالیات گرفته می‌شد اما استفاده‌کنندگان از وام مالیات هم دادند و معلوم نیست

محسن شه‌میرزادی‌*// لیست پخش موسیقی جوان امروز به راحتی محسن چاوشی و یگانه را در کنار دومداح جوان پسند می‌گنجاند بی آن‌که این برادری و برابری برای کسی مورد سوال باشد، حتا اگر پس از شنیدن نوای شحات انور در تلفن دوستی ناگهان صدای آنی بیاید که انتظارش را نداریم، خیلی برایمان تعجب آور نیست در مطالعات فرهنگی این پدیده‌ی کاملا مدرن و بدیع را «بریکولاژ» می‌نامند، عالمی که امیر تتلو از شهدای هسته‌ای می‌خواند، عالم مدرن عالم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تناقض‌هاست. تناقض‌هایی که هیچ‌گاه برای ما سوال نمی‌شوند، عالم تناقض همان جایبست که روزی اصلاحات با تخریب سازندگی بالا می‌آید و روزی دیگر استوانه انقلابش می‌کند، همان جایبست که کمک به فقرا خوب است حتی به قیمت نرفتن حج، ولی اگر بطلبد ممکن است برای مدتی هم زیر چرخ‌های توسعه له‌شان کرد.

عالم تناقضات پر است از ارزش‌های متناقض، روزی در اثر هجوم قبیله‌ای رسانه‌های به هم پیوسته واژه‌ی «پوپولیسم» وارد ادبیات «مردم عادی» شود به گونه‌ای که از انتخابات ۸۸ به بعد بحث دو نوجوان که شروانش با «کفش من خوشگل‌تر از توئه» بود، در نهایت به پوپولیست بودن رئیس‌جمهورشان خاتمه می‌یافت، این موج به جایی رسید که نامزدهای انتخابات ۹۲ هرکدام برگ برنده‌شان تبری جستن از اقداماتی بود که«پوپولیسم» خوانده می‌شد، از سفرهای استانی تا اموری که اقتصاد صدقه‌ای خواندنش، وام ندهید ماهی‌گیری یاد بدهید جای ماهی دادن دست مردم، یارانه توهین است، سفرهای استانی مردم فریبی است، شعارهای غیر عملی و تخیلی ندهید، مسکن مهر مزخرف است، بترسید از خدا از استبداد رای و...، اصطلاح پوپولیسم که هنوز کثیری از ملت معنای لفظی‌اش را هم نمی‌دانند شد بلیطِ رای خریدن از مردم، در این میانه‌ی تاخت و تاز بر «مردم گرایی» یکی گوی

بیا شمع‌ها رو فوت کن!

پول دریافتی مالیات به جیب چه کسی می‌رود؟ از ابتدا قرار بود ثبت‌نام‌ها نامحدود باشد اما محدود شد و سقف ۱۱۰ هزارتایی مانع ثبت‌نام‌های دیگر شد. قرار بود این وام طی ۶ ماه داده شود اما ۶ روزه شد. به هر حال دولت طرحی را اجرا کرد و خودروهایی را که هیچ امیدی به فروش آن نبود با ایجاد موج و دادن اطلاعات ناقص فروخت، غافل از اینکه با اجرای فاجعه‌بار این طرح ضربه بزرگی به اعتماد مردم وارد می‌کند؛ ضربه‌ای که می‌تواند موج جدید رکود در سایه بی‌اعتمادی مردم را بلندتر از قبل کند.

بانک مرکزی هم بعد از شش روز گفت: قرار بود فقط انبارخودروسازان خالی شود! یکی از نمایندگان مجلس هم البته گفته بود که اصلا بسته جدید اقتصادی دولت برای «خالی کردن انبارها از خودرو» تهیه شده بود. یکی از روزنامه‌ها نوشت: «رایبن هود انبارها را خالی کرد؟»؛ منظور این روزنامه این بود که سیاستی که پیشتر توسط همین جریان در دولت، به «اقتصاد رایبن هودی» و کار غیرکارشناسی متهم شده بود، توسط این دولت تکرار می‌شود. اما این بار نه برای «مسکن»، بلکه برای یک کالای مصرفی مانند خودرو.

خلاصه‌حتی رفتار پوپولیستی-انتخاباتی دولت درباره خودرو هم با کلاه گذاشتن برسر مردم همراه بود. کارشناسان بسیاری در طول این مدت رفتار اقتصادی دولت را «غیرکارشناسی» خواندند، اگرچه کسی دیگر از اصطلاح «رایبن هودی» برای معرفی این سیاست‌ها استفاده نکرد اما اقتصاددانان این حرکت را خلاف منافع اقتصادی مردم برشمردند.

یک استاد اقتصاد گفته است:
روش ایران‌خودرو و سایپا این است که با آشفته کردن بازار، تقاضای کاذب ایجاد کنند و قیمت‌ها را متزلزل کرده تا بتوانند خودروهای خود را به مردم قالب کنند. سعید لیلاز نیز که اتفاقا از اقتصاددانان طرفدار دولت است هم می‌گوید نگران اثر معکوس وام ۲۵میلیون تومانی است. چند روز پیش و همزمان با خبر اعطای وام

پوپولیسم

در میانه

کت شرقی

عبای غربی

سبقت بر عالم تناقض ربوده و در عین حمله بر شعارهای غیر عملی دولت قبل، کلیدی در دست داشت و صد روزه قول پیچیدن نسخه‌ی بحران می‌کرد، و با دست دیگرش شعار جداسازی چرخ زندگی و عزت از سانتریفیوژها سرمی‌داد و کسی که قریب به بیست سال دبیر شورای امنیت ملی بود، شعار علیه امنیتیی شدن می‌سرود، و هنوز مرگ بر پوپولیسم قیمت داشت، هم قیمت تناقض گویی، آن‌قدر قیمت داشت که بتواند حسن روحانی را رئیس‌جمهور کند.

موعد پاک کردن ایران زمین از لوث وجود «پوپولیسم» فرا رسید، سرداران سازندگی که مدل توسعه‌شان نیز «مردم» نمی‌شناخت و چرخ‌های توسعه و زندگی و سانتریفیوژ را «نخبگان» می‌چرخاندند، در عین حال که مسکن مهر را مزخرف می‌نامیدند در پی تداومش شدند، اقتصاد صدقه‌ای یعنی وام ازدواج و ماهی‌گیری یاد مردم دادن یعنی دست به دست سرمایه‌داران

۲۵میلیونی خبر دیگری در رسانه‌ها پیچید: «۱۱میلیون دختر و پسر در شرایط ازدواج وجود دارند».

۱۱میلیون نفر که حتی اگر اقدام به ازدواج هم کنند، با تسهیلاتی معجزه‌آسا مواجه نخواهند بود برای ازدواج. نصیب آنها فقط و فقط همان وام ۳ میلیون تومانی سابق است که حالا دیگر سال‌هاست همان ۳ میلیون تومان است و افزایش تورم و بحرانی شدن رکود و بالا رفتن اجاره‌بها هم موجب نشده مسؤولان برای افزایش میزان وام ازدواج تلاش کنند! حالا شاید خاطره ای که ابتدای امر تعریف کردیم، به کار بیاید. کسی به زوج‌های جوان نمی‌گوید: «بیا شمع‌ها رو فوت کن، که صد سال زنده باشی». تیم اقتصادی دولت و بانک مرکزی و خودروسازان ترانه را بازهم برای «خودرو» خواندند.



توسعه، ۲۵ میلیون وام خودروهای در انبار مانده دهند، سفرهای استانی و به ورزشگاه کشاندن مردم می‌شود توهین به آنان، اما هنوز رئیس‌جمهور سفرهای استانی‌اش با تعطیل کردن مدارس شهرهای میزبان پیگیری می‌شود. و همراه یارانه سر وقت واریز می‌شود اما همه‌ی این‌ها به یک سو، چند سالی هست از وعده‌ی صد روزه گذشته و هنوز چرخ سانتریفیوژ سرخرمن گیر کرده است و همه‌ی اینان از آن‌جاست که معنای پوپولیسم را کسی نمی‌داند، «پوپولیسم» را به «مردم گرایی» در مقابل «نخبه‌گرایی» (همان کاری که در دولت قبل رخ می‌داد) ترجمه کنیم آن‌چنان هم بد و بیراه نمی‌شود به نسبت آن‌که بواسطه‌ی پوپولیسم توجه مردم را به هر قیمتی جهت پیشبرد سیاست خویش بخریم، و در الگوی توسعه‌ای که اصالت بر نخبگان و له شدن مردم زیر چرخ توسعه است، اهمیت دادن مستقیم به مردم، تنها نمایشی‌ست جهت جلب رضایت آنان، و در این میان اگر هرگونه اعتراضی شود پاسخ سخت و خشن خواهد بود، این حرکت را جز «ریا» چیز دیگری نمی‌توان نامید، کاری که می‌توان در مراسم تنفیذ گفت «خدایا به تو پناه می‌برم از استبداد رای و عجله در تصمیم‌گیری و تقدم نفع شخصی و گروهی به منافع مردم. همچنین به تو پناه می‌برم از بستن دهان منتقدان و رقیبان و گفتگویی کرد این چینی با منتقدان و رقیبان

–سلام

–سلام

–بنظر‌تون مذاکره با آمریکا ما رو به هدفمون که برداشتن تحریمه می‌رسونه؟

– یک عده تازه به دوران رسیده نمی‌خواهد اینقدر نسبت به آینده و ارزش‌های انقلاب و ارزش‌های اسلام دل‌نگران باشند.

***دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران**

خبرنامه کاغذی دانشجویان ایران

نیمه اول آذر ماه ۱۳۹۴ – شماره ۸۶

شما تغییری احساس می‌کنید؟

امیر استکی‌*// مهمترین نقد خیلی‌ها به دولت قبلی این بود که این دولت را غیرکارشناسان اداره می‌کنند. نقادان کثیر الشمار آن روز که تقریبا صفر تا صد مسائل مربوط به دولتهای نهم و دهم را با چنین رویکردی نقد میکردند قویا معتقد بودند که در آن دولت کار به دست کاردان سپرده نشده است. این تم فضای نقد تقریبا در اواخر دولت دهم به یک باور تبدیل شده بود یعنی اگر کسی بر خلاف این تم از کارآمدی مهرورزان دفاع می‌کرد می بایست نگاه‌های عاقل اندر سفیه شدیدی را تحمل کند. بر همین اساس بود که حسن روحانی ریاست عالیقدر جمهور ایران (دامت توفیقاته) در کارزار انتخابات مدعی شد که نهایتا صد روزه ملت محترم تغییر را احساس می‌کنند و این حرف در دل خود این معنا را داشت که قطعا با برطرف کردن سوء مدیریت ها و به جای خود برگرداندن اهل هر کاری کارهای مملکت درست و راست می‌شود و در نتیجه خوش به حال مردم می‌گردد. و پیرو همین فرمایش بود که خلق قهرمان هر روز منتظر گشایشی نو بودند و مثلا منتظر بودند قیمت یک کالای اساسی مثل پراید مقدار قابل توجهی پائین بیاید! و فقط چیزی که مشاهده نمودند یک سبد کالای اساسی بود که به سبک دوران بد گذشته با صف و شلوغی و کمی خفت و خواری به دستشان رسید. در این زمینه لاقل دولتمردان روحانی احمدی نژادی‌های خوبی نبودند. گرچه از این حکم باید خود رئیس‌جمهور را مستثنی کرد چون که جناب ایشان واقعا جزء بهترین احمدی نژادی‌های موجود در کشور است!

اگر بخواهیم اینحرف‌های جدی و شوخی که در سطور بالا فرمایش فرمودیم را بیشتر منقح کنیم باید به یک نکته اساسی در باب ماهیت دولت‌ها در ایران اشاره کنیم. این نکته اساسی به زعم نگارنده این است که دولت‌ها در ایران چیزی بیش از یک فروشنده بزرگ نفت نیستند که پس از فروش آن به نحوی عواید حاصل از آن را در کشور توزیع می‌کنند. کل عملکرد دولت روحانی چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی بر مبنای همین نکته ساده شکل می‌گیرد. به هر نحو دولت باید راه فروش نفت را باز کند و نفت را بفروشد و پول آن را خرج کند. همه تقلاهای روحانی و تیمش در داستان مذاکرات منتهی به برجام هم همین بود. لغو تحریم‌ها یعنی لغو موانع فروش نفت و مشتقاتش. فقط در این میان یک بد بیاری نصیب دولت روحانی شد و آن‌هم افت قیمت نفت است. و اگر شما فکر کرده‌اید که قرار بوده است که مردان به اصطلاح مدیر‌تر دولت روحانی راه دیگری به جز این راه را بروند قطعا اشتباه فرموده اید. این شیران عرصه مدیریت در این چند دهه‌ای که همواره بر خر مراد سوار بوده‌اند راهی جز همین روش را نیاموخته اند. همه انتقادها به احمدی نژاد هم بر سر روش تخصیص منابع بود. یعنی کسی انتظار نداشت احمدی‌نژادی‌ها روش دیگری برگزینند ولی اکثرا انتظار داشتند که تخصیص منابع به گونه ای دیگر رقم بخورد. این اشتباه بود که احمدی نژاد به دنبال تخصیص متوازن منابع رفت در صورتی که باید به سبک عالی‌جنابان این تخصیص منابع به گونه ای رقم می‌خورد که سلسله مراتب سنتی جذب منابع مخدوش نشود. و چون مهرورزان سلسله مراتب مذکور را نادیده گرفتند و به شکل ضمنی در پی ایجاد سلسله مراتب جدیدی بر آمدند دچار بزرگ‌ترین اشتباه خود شدند و به قولی شد آنچه شد. و در عوض چنین خبط عظیمی پروپاگاندای رسانه دولت احمدی نژاد و اتباعش را افرادی معرفی کرد که اینکاره نیستند.

و این که امروز زمام کارها در دست اینکارها به همان شیوه‌ها و روش‌های آن نه آنکاره‌ها! سامان می‌یابد اصلا مهم نیست بلکه مهم همان رعایت سلسله مراتب توزیع منابع بود که امروز قطعا درست کار می‌کند. اگر نرخ بهره بانکی در دولت احمدی‌نژاد به شکل دستوری کم شد و آن بد بود امروز همان اتفاق نه بد بلکه تدبیری متعالی است! و اگر پرداخت وام برای خرید ماشین و لوازم مصرفی در دوران احمدی‌نژاد حماقت و نفهمی بود که منجر به افزایش نقدینگی و تورم میشد امروز پرداخت همان وام‌ها اسمش می‌شود بسته خروج از رکود و عامل تحریک بازار. اگر افزایش تعمدی نرخ ارز برای تامین ریال مورد نیاز دولت در زمان مهرورزان خیانت مستقیم به مردم و عامل تضعیف پول ملی و بر باد دهنده ثروت مردم بود اما امروز همان عمل نوعی تدبیر دقیق برای مدیریت مالی دولت است.

این قاعدها بهترین روش مملکتداری خواهد بود که بتوانی کار جدید و موثر و بنیادینی کنی و در عوض تصویری خلاف آن را به مردم نشان دهی به گونه ای که باور پذیر و موثر باشد. این روش روشی آزمون پس داده و کارآمدست چرا که همه ما هنوز گاها سوار اتوموبیل‌های با مغز پیکان و پوست پژو می‌شویم و لذت هم می‌بریم که سوار پژوئیم و زیاد ناراحت کارآیی پیکانواره آن نیستیم. و الان هم باید خوشحال باشیم که دولتی به مثابه پژو آر دی داریم.

*** کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی**

متولیدن پیش از ۱۳۷۳ بخوانند

سه راه قانونی برای کاهش دوسال خدمت سربازی!

خدمت، از ۹ تا ۱۱ ماه سابقه جبهه معادل ۳ ماه، از ۱۲ تا ۱۴ ماه سابقه جبهه معادل ۴ ماه، از ۱۵ تا ۱۷ ماه جبهه معادل ۵ ماه، از ۱۸ تا ۲۰ ماه سابقه جبهه معادل ۶ ماه، از ۲۱ تا ۲۳ ماه سابقه معادل ۷ ماه، از ۲۴ تا ۲۶ ماه سابقه جبهه معادل ۸ ماه، از ۲۷ تا ۲۹ ماه سابقه جبهه معادل ۹ ماه کسر خدمت تعلق می گیرد. همچنین آزادگانی که مدت اسارت آنها کمتر از ۲۴ ماه باشد به ازای یک سال اسارت ۶ ماه کسر خدمت به فرزندان آنها تعلق می گیرد.

پیشنهاد ما این است که دانشجویانی تا به حال پیگیر این نوع کسر خدمت نشده‌اند، هر چه سریعتر نسبت به آن اقدامات لازم را انجام دهند، البته بازم تأکید می شود این قوانین برای متولیدن ۷۳ به بعد نیست!

۳- کسر خدمت بسیج: این نوع کسر خدمت که مخصوص فعالین بسیجی است نیز می‌توان یکی از راهکارهای خوبی برای کسری باشد؛ روند این نوع کسری به این صورت است که با توجه به میزان فعالیت در بسیج سالی ۴۵ روز از خدمت تا سقف شش ماه کسر می‌شود؛ البته طی سال های اخیر قوانین سخت گیرانه‌تری از جمله نوع برگزاری دوره تکمیلی بسیج در حال اجرا شدن است؛ به طور مثال تا سال ۹۲، دوره تکمیلی که حدود ۴۵ روز برگزار می‌شد، و تنها ۵ روز داوطلبین در شرایط سخت قرار می‌گرفتند، از آن تاریخ به بعد این مدت به ۱۵ روز رسیده است، که خبرها از بیشتر شدن آن و یا حذف دوره تکمیلی برای کسر از خدمت خبر می دهند.

پیشنهاد می‌شود که دانشجویان بسیجی فعال که هنوز در این دوره شرکت نکرده‌اند، ثبت نام نمایند، و حداقل از حضور در دوره ۲ ماهه آموزشی معاف شوند.

به هر حال آنچه که در این نوشتار به آن اشاره شد راه قانونی برای کاهش خدمت سربازی است؛ دوره‌ای که به دلیل نبود برنامه‌ای مشخص تنها باعث دو سال اتلاف وقت هر جوانی در بهترین دوره زندگی خود می‌شود. البته در این مرکز پژوهش‌های مجلس اخیر طرحی را برای برداشته شدن این «کابوس بزرگ» ارائه داده است که در این باره گفتنی‌های زیادی است.

فارغ التحصیلان می‌توانند با مراجعه به بنیاد نخبگان نیروهای مسلح پروژه تحقیقاتی خود را دریافت کنند، و با توجه نوع پروژه از کسر خدمت بهره مند شوند.

تذکر این نکته هم ضروری است، دانشجویانی که در دانشگاه‌های نظامی مثل مالک اشتر مشغول به تحصیل هستند، از پایان نامه تحصیلی خود می‌توانند برای کسر خدمت استفاده کنند.

پیشنهاد ما به دانشجویان این است که به جای تلف کردن وقت در دانشگاه! بدنبال این نوع پروژه‌ها بروند؛ البته «آشنا» داشتن در این نوع کارها همچون بقیه‌ی بخش مختلف اداری کشور می‌تواند به شما برای گرفتن پروژه کمک کند!

۲- کسر خدمت ایثارگری: این نوع کسر خدمت نیز که حدود چهارسالی است به مشمولین داده می‌شود به این صورت است که کسانی که والدین آنها سابقه حضور در جبهه، جانبازی و ایثارگری را داشته باشند می‌توانند با توجه به قوانین در نظر گرفته شده تا سقف ۹ ماه از کسر خدمت برخوردار شوند.

نحوه محاسبه فرزندان جانبازان کمتر از ۲۵ درصد به این صورت است که؛ ۵ تا ۱۰ درصد جانبازی معادل ۲ ماه کسر خدمت، ۱۱ تا ۱۵ درصد جانبازی معادل ۴ ماه کسر خدمت، ۱۶ تا ۲۰ درصد جانبازی معادل ۵ ماه کسر خدمت، ۲۱ تا ۲۴ درصد جانبازی معادل ۸ ماه کسر خدمت و به فرزندان جانبازان کمتر از ۵ درصد جانبازی کسر خدمت تعلق نمی‌گیرد.

درباره سابقه جبهه نیز که این روزها بیشتر «مشتري» را دارد، به این صورت است که؛ ۶ تا ۸ ماه سابقه جبهه معادل ۲ ماه کسر

و متولدين ۱۳۷۳ به بعد مشمول این قانون نمی‌شوند. به هر حال تا به امروز یک قانون روشن و واضحی برای انواع کسری‌های خدمت موجود نیست، ولی چیزی که طی سال های اخیر وجود داشته است، کسری‌های خدمت در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱- کسر خدمت نخبگی

۲- کسر خدمت ایثارگری

۳- کسر خدمت بسیج

این سه کسر خدمت، این روزها بیشترین درخواست را از سوی جوانان برای کاهش دوره خدمت «اجباری» وظیفه دارد. البته تا چندی پیش کسر سه ماهه متاهلی نیز اجرا می‌شد که تنها با یک مصاحبه یکی از مسئولین نظام وظیفه لغو شد، و تا به امروز دلیل لغو این کسری مشخص نشده است، گرچه عده‌ای کاهش خدمت از ۲۴ به ۲۱ ماه را دلیل این تصمیم عنوان کرده‌اند.

به هر حال سه مدل اشاره شده کسر خدمت می‌تواند راه‌گشای مشکل سربازی برای کاهش آن دانست؛ که به خصوص دانشجویان می‌توانند از آن استفاده کنند. به طور مختصر به آن می‌پردازیم:

۱- کسر خدمت نخبگی: این طرح که با افزایش دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی اجرا شده است، هر دانشجو می‌تواند در طول سال تحصیلی و یا بعد از آن به درخواست خود و با مراجعه به مراکز اعلام شده کسر خدمت بگیرند.

البته تا سال گذشته تنها نخبگان و استعدادهای برتر شامل این قانون می‌شدند، اما خبر خوب اینکه از سال ۹۴ همه افراد چه نخبه و چه غیر نخبه می‌توانند با توجه به رشته خود پروژه کسر خدمت از دو تا ۲۱ ماه دریافت کنند

از سویی دیگر، در گذشته تنها افرادی که دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بودند می‌توانستند پروژه‌ای دریافت کنند اما از سال جاری این طرح شامل دارندگان مدرک تحصیلی لیسانس نیز شده است، بنابراین دانشجویان و

«کابوس سربازی» یکی از دغدغه‌های هر جوان «پسری» است که پس پایان تحصیلات و یا رسیدن به سن ۱۸ سالگی با آن مواجه می‌شود؛ قانونی «۹۰ ساله» که علی‌رغم آسیب‌های جدی که به خانواده‌ها وارد کرده است، اما هنوز به دلایل مختلف کمتر برنامه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است.

از سویی دیگر گاه‌گاهی اخباری در صفحه نخست رسانه‌ها منتشر می‌شود که درونمایه‌اش جرح و تعدیل در قانون سربازی کشور است. بعضی از جوانان خدمت دو ساله سربازی را بزرگ‌ترین مشکل خود قلمداد می‌کنند که همه ابعاد زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچند تعدادی از مسئولان کشوری و لشکری نیز بر تأیید آن صحه می‌گذرانند، اما گاهی قوانینی وضع می‌شود که همه خیالات شیرین برآمده از آن سخنان را برای سربازان آینده بر باد می‌دهد.

در این بین یکی از راهکارهایی که طی سالیان اخیر به ذهن هر جوانی برای «فرار» از سربازی می‌افتد، ورود به دانشگاه و دل دادن به «جریان» بی‌انتهای درس به صورت صوری است؛ این نوشتار اختصاص به آسیب‌شناسی چرایی ورود جوانانی که به دنبال دور زدن سربازی با آمده به دانشگاه نیست، گرچه در این‌باره تحلیل‌های گوناگونی ارائه شده است، اما چیزی که مشخص است تا اصلاح این روند، به نظر می‌رسد تا چندین سال آینده دانشجویان و جوانان نباید به فکر عوض شدن قانون فعلی سربازی باشند.

یکی از راهکارهایی که جالب است خود نظام وظیفه پیشنهاد داده است، گرفتن کسری‌های سربازی است. به این صورت که هر مشمول می‌تواند با دارا بودن شرایطی حتی از کل خدمت معاف شود!

البته این را در همین ابتدا بگوییم که متولیدن سال ۷۳ به بعد -که در یک حرکت «خلق‌الساعة» دیگر توسط مسئولان نظام وظیفه رخ داد- نمی‌توانند هیچ کسری دریافت کنند؛ صدرالسادات رئیس وظیفه عمومی در آخرین مصاحبه خود با باشگاه خبرنگاران ضمن اعلام این خبر گفته بود: با تصویب قانون جدید به افرادی که پدر آن‌ها ۳۰ ماه سابقه خدمت در جبهه های جنگ داشته، افرادی که پدر آن‌ها ۲۴ ماه سابقه اسارت داشته و همچنین افرادی که پدر آن‌ها ۲۵ درصد جانبازی داشته، تعلق می‌گیرد و در حال حاضر پس از تصویب قانون جدید، موضوع کسری خدمت در قانون جدید پیش‌بینی نشده

برای کنکورهای سال ۹۵ چقدر باید پول بدهید؟

تعرفه ثبت نام در آزمون های سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۱۳۹۵ تعیین شد. به گزارش خبرنگار صنفی - آموزشی «خبرنامه دانشجویان ایران»، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور، مصوبه دولت درباره تعرفه ثبت نام دریافتی از داوطلبان شرکت در آزمون های سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۱۳۹۵ را برای اجرا ابلاغ کرد.

متن مصوبه هیئت وزیران به شرح زیر است:

تعرفه ثبت نام دریافتی از داوطلبان شرکت در آزمون های سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۱۳۹۵ به شرح جدول زیر تعیین می‌شود. درآمدهای سازمان سنجش آموزش کشور به حساب خزانه واریز و در بخش درآمد بودجه کل کشور منظور و معادل آن از طریق درج ردیف هزینه ای در لوایح بودجه سنواتی در اختیار سازمان مذکور قرار می‌گیرد.

۱. آزمون سراسری - ۱۸ هزار تومان
 ۲. علاقه‌مندی به گزینش در دانشگاه پیام نور، تربیت معلم (فرهنگیان) و مراکز غیرانتفاعی - ۴۶ هزار تومان
 ۳. آزمون کاردانی پیوسته - ۱۸ هزار تومان
 ۴. آزمون کاردانی به کارشناسی ناپیوسته - ۲۳ هزار تومان
 ۵. آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته - ۳۰ هزار تومان
 ۶. آزمون دکتری داخل - ۵۰ هزار تومان
 ۷. آزمون دکتری اعزام به خارج - ۵۰ هزار تومان
 ۸. آزمون زبان انگلیسی پیشرفته (بدون گفتار) - ۵۰ هزار تومان
 ۹. آزمون زبان انگلیسی پیشرفته (با گفتار) - ۵۰ هزار تومان
 ۱۰. آزمون عملی تربیت بدنی - ۱۸ هزار تومان
 ۱۱. آزمون عملی رشته های هنر - ۲۳ هزار تومان
 ۱۲. بررسی پرونده های صلاحیت عمومی داوطلبان آزمون‌ها - ۲۹ هزار تومان
 ۱۳. هزینه مصاحبه و بررسی صلاحیتهای عمومی دانشگاه فرهنگیان - ۲۳ هزار تومان
 ۱۴. خدمات پیام کوتاه آزمون (اختیاری) - ۵۰۰ تومان
- معاون اول رئیس جمهور، این مصوبه را در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۵ برای اجرا به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ کرد.

نشریات برتر دانشجویی کشور مشفص شدند

به نشریه «حیات» از دانشگاه امام صادق(ع) رسید.

در بخش صفحه‌آرایی و طرح جلد نشریات برتر دانشجویی رتبه اول تا سوم به ترتیب از آن نشریه «شبان» از دانشگاه رازی کرمانشاه، «جغیه» از دانشگاه علمی کاربردی قوچان و «گل نرگس» از دانشگاه علوم پزشکی تهران رسیدو در بخش کاریکاتور رتبه سوم به نشریه مهبانگ» از دانشگاه پیام‌نور اصفهان رسید و نشریات «کاکتوس» از دانشگاه لرستان و «نیش‌گون» از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان حائز کسب رتبه اول و دوم شدند.

در بخش طنز برتر دانشجویی رتبه اول از آن نشریه «پلاک چهار» از دانشگاه آزاد واحد زنجان، رتبه دوم «حیات» از دانشگاه امام صادق(ع) و نشریه «آقا اجازه» از دانشگاه بیرجند گردید و بخش مصاحبه برتر رتبه اول این بخش به نشریه «خیمه» از دانشگاه سیستان و بلوچستان رسید و نشریه «آرمان‌گرا» از دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله و نشریه دانشگاه فردوسی مشهد رتبه‌های دوم و سوم را کسب کردند.

در بخش مقاله، یادداشت و گزارش برتر، رتبه برتر از آن نشریه «حیات» از دانشگاه امام صادق(ع) شد و نشریات «پندار» از دانشگاه تهران و «تاریخ‌پژوهشی» از دانشگاه فردوسی مشهد رتبه‌های دوم و سوم را به دست آوردند.

در بخش نقد دانشجویی رتبه سوم از آن نشریه «سرچشمه خورشید» از دانشگاه پیام نور شد و رتبه دوم و اول به ترتیب از آن نشریه «رستار» از دانشگاه قم و «خیمه» از دانشگاه سیستان و بلوچستان شد.

اختتامیه جشنواره نشریات دانشجویی نسل چهارم بیستم آبان ماه با حضور فعالان نشریات و رسانه های دانشجویی برگزار شد.

در بخش نشریات طنز این جشنواره براساس رای هیئت داوران نشریه «آقا اجازه» از دانشگاه بیرجند، «خودمونی» از دانشگاه علوم پزشکی مشهد و «کاکتوس» از دانشگاه لرستان حائز مقام‌های اول تا سوم شدند.

در بخش نشریات علمی دانشجویی مقام‌های اول تا سوم از آن نشریات «پندار» از دانشگاه تهران، «مردمک» از دانشگاه علوم پزشکی مشهد و «سایه روشن» از دانشگاه لرستان شد.

در بخش نشریات هنری ادبی دانشجویی رتبه سوم به «کافه‌هنر» از دانشکده فنی مهندسی دانشگاه تفرش رسید. در این بخش نشریه‌ای از نگاه هیئت داوران جشنواره موفق به کسب رتبه دوم و اول نگردید.

در بخش نشریات فرهنگی دانشجویی رتبه سوم به نشریه «اریحه مهر» از دانشگاه حکیم سبزواری، رتبه دوم به نشریه «دختران ایران زمین» از دانشگاه الزهراء(س) و رتبه اول به نشریه «بساتین» از دانشگاه میبد رسید.

در بخش نشریات دانشجویی سیاسی رتبه اول به نشریه «حیات» از دانشگاه امام صادق(ع)، رتبه دوم به نشریه «زیر هشت» از دانشگاه بوعلی‌سینا همدان و رتبه سوم به نشریه «خیمه» از دانشگاه دانشگاه سیستان رسید.

در بخش متون و متن ادبی رتبه اول به «دختران ایران زمین» از دانشگاه الزهرا(س)، رتبه دوم به نشریه «ارشیه» از دانشگاه علوم پزشکی یزد و رتبه سوم

زمان ثبت نام و برگزاری آزمون های سراسری

یکی از مهمترین دغدغه دانشجویان کارشناسی و ارشد، زمان برگزاری آزمون‌های سراسری است. به گزارش خبرنگار صنفی آموزشی «خبرنامه دانشجویان ایران»، تاریخ ثبت نام و برگزاری آزمون‌های سراسری سال جاری و سال آینده مشخص شد.

ثبت نام آزمون دکتری سال ۱۳۹۵ (نوبت اول) از ۶ دی آغاز و تا ۱۵ دی ماه ۹۴ ادامه خواهد داشت. این آزمون ۱۴ اسفند برگزار خواهد شد.

ثبت نام آزمون دوره های کارشناسی ناپیوسته سال ۹۵ هم از ۶ تا ۲۲ آذر ۹۴ انجام می‌شود و زمان برگزاری آزمون‌های ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت ماه ۹۵ اعلام شده است.

متقاضیان شرکت در آزمون سراسری سال ۹۵ از ۱۹ تا ۲۸ بهمن ماه ۹۴ ثبت نام می‌کنند و در روزهای ۲۴ و ۲۵ تیرماه ۹۵ در این آزمون شرکت خواهند کرد.

ثبت نام آزمون دکتری سال ۹۵ (نوبت دوم) از ۲۴ مرداد تا ۳۰ مرداد ۹۵ انجام خواهد شد و داوطلبین ۷ آبان ۹۵ در این آزمون شرکت می‌کنند.

* تماس با ما *

خبرنامه دانشجویان ایران، آمادگی دار د تا فعالیت‌های دانشجویی شما را پوشش داده و مشکلات صنفی و مطالبات دانشجویی شما را به گوش مسئولین برساند. برای این منظور کافی است با ما در ارتباط باشید:

۰۲۱۸۸۹۱۵۴۵۷ | ۰۹۳۷۰۷۴۸۵۵۰

info@iusnews.ir

۵۰۰۰۱۳۸۸

کانال تلگرام

همچنین می‌توانید با حضور در کانال رسمی خبرنامه دانشجویان ایران در تلگرام از آخرین اخبار دانشجویی اطلاع یابید، تنها کافی است با استفاده از کیو آر کد به ما پیوندید!

